

گونه‌شناسی بهترین‌ها و بدترین‌ها در قرآن و تأثیر آن بر سبک زندگی اسلامی

حسین جابری فرد^۱ - عبدالحمید فرزانه^۲ - علیرضا مختاری^۳

چکیده

ارائه نمونه و الگو نقش اساسی در پندآموزی و سرنوشت انسان داشته و قرآن با یادکردی هنرمندانه از آن بهره برده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، «ترین‌ها» - بهترین‌ها و بدترین‌ها - را از دیدگاه قرآن معرفی و گونه‌شناسی کرده و تأثیر آن بر سبک زندگی اسلامی را بررسی کرده است. دستاورد پژوهش حاکی از آن است که قرآن در حیطه‌ها و ابعاد گوناگون، نمونه‌هایی از بهترین‌ها و بدترین‌ها را برشمرده که به سه گونه اعتقادی، اخلاق فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. انسان با تأمل در مصادیق مثبت و منفی آن افراد و روش ایجاد جاذبه و دافعه قرآن می‌تواند سبک زندگی خود را ارتقا بخشد.

کلیدواژه‌ها: «بهترین و بدترین‌های» قرآن، سبک زندگی، باور اعتقادی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا.

hasanjaberifard@gmail.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز (نویسنده مسئول).

Farzaneh2139@gmail.com

Mokhtari.ar@gmail.com

۳. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا.

دریافت: ۱۴۰۲/۵/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

مقدمه

از آنجاکه یکی از اهداف خلقت انسان فلاح و نجات در جنبه‌های گوناگون زندگی است، لازم است که به سبک زندگی اهمیت داده شود. سبک زندگی از باورها و ایمان هرکسی به اعتقادات خود نشئت می‌گیرد. یک مسلمان پیرو قرآن می‌کوشد به تمام شئون زندگی خود صبغه الهی بدهد و رنگ خدا را که بهترین رنگ‌هاست، برگزیند: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره / ۱۳۸). خروجی هم‌رنگی و پیرو رنگ خدا شدن، عبودیت و بندگی خداوند و اطاعت از برنامه‌های الهی برای زیستن است که به تحقق هدف خلقت انسان می‌انجامد. سبک زندگی را می‌توان در بعد محتوایی و الگویی بررسی کرد که هر دو مورد در قرآن به بهترین حالت ذکر شده است؛ لازمه چنین کاری بررسی محتوا و تعیین و تشخیص مصادیق واقعی است. هر خردمندی میان خوب و خوب‌تر، پی خوب‌تر می‌رود و در زمان اضطرار از میان بد و بدتر، بدتر را کنار می‌گذارد. مسلمانان، به ویژه مؤمنان واقعی، قاعدتاً جزء زیرک‌ترین انسان‌ها هستند؛ از این رو بر آنان فرض است که خوب‌ترین و بدترین‌های واقعی زندگی را بشناسند و در زندگی خود الگو و آسوه قرار دهند و چه بهتر که این موارد را از منبع علم و دانش واقعی آن، قرآن، دریافت کنند تا زندگی سعادت‌مندانه‌ای در دنیا و آخرت داشته باشند.

موضوع پژوهش حاضر از این نظر اهمیت دارد که برای رسیدن به زندگی خداپسندانه باید دارای الگو و نقشه راهی از سوی خالق هستی بود؛ زیرا الگو در زندگی انسان لازم و راهبر است و جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین خداوند چنین خواسته است که انسان با بهره‌گیری از بهترین‌ها و بدترین‌ها، سبک زندگی مناسب خود را برگزیند.

در پژوهش حاضر بر اساس «برترین»‌های قرآنی، اولویت‌های زندگی شناسایی شده و موضوع و مفهوم افعال تفضیل‌ها تبیین و تحلیل می‌شود تا بتوان با سرعت بیشتر و از راه میان‌بر به کشف مسیر حق و دوری از راه باطل حرکت کرد.

توجه به مسئله سبک زندگی در تاریخ معاصر، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها تبدیل شده و موضوع بحث بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی است. سبک زندگی نمودی از

جهت‌گیری‌ها و عادات روزانه است و در جامعه کنونی ما، بحث از آن و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی بسیار ضروری است.

براساس بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت: تاکنون پژوهشی مستقل درباره مسئله پژوهش حاضر انجام نشده؛ البته در برخی از منابع به اختصار به آن اشاره شده است:

- در مقاله‌ای از محمد عالم زاده نوری با عنوان «بررسی ساختار تفضیل در استنباط نظام اخلاقی از گزاره‌های دینی» به افعال تفضیل و مفاهیم مربوط به آن پرداخته شده است. در مقاله یادشده اعتقاد بر این است که افعال تفضیل مصادیق گوناگونی دارد و اسم‌های تفضیل عموماً حالت تفضیلی ندارند؛ از این رو پس از بررسی احتمالات چنین نتیجه گرفته شده که اصالة الاطلاق در صیغه تفضیل جاری نمی‌شود؛ بلکه درباره این صیغه، اصالة التقييد حاکم است؛ مگر اینکه دلیلی بر نفی موجود باشد.

- در مقاله «تفضیل اثری آیات قرآن» به قلم حمیدرضا بصیری نیز از طریق بررسی روایات اسلامی به برتری برخی از آیات نسبت به برخی دیگر اشاره شده است.

- در پایان‌نامه «بررسی آیات تفضیل با رویکرد کشف معیارها» نوشته عادل فاطمیان، تفضیل‌های قرآنی و کشف معیارها و ملاک‌های آن بررسی شده و به معیارهای برتری و فضیلت، موهبتی و اکتسابی (جهاد، نماز، عمل صالح و...) اشاره شده است.

چنان‌که گفته شد، اگرچه در پژوهش‌های پیشین، ساختار اسم تفضیل در نظام اخلاقی یا سبک زندگی اسلامی مورد تأکید قرار گرفته، درباره نقش افعال تفضیل در سبک زندگی اسلامی و ابعاد گوناگون آن، بحث مستقلی مطرح نشده و پاسخ مناسبی ارائه نشده است. برای پاسخ‌گویی، پژوهش حاضر بر آن است که مسئله مورد نظر را در چند حوزه مورد بررسی قرار دهد. حوزه‌های یادشده عبارت‌اند از: بهترین‌های قرآنی در حوزه اعتقادی، بهترین‌های قرآنی در حوزه اخلاق اجتماعی، بهترین‌های قرآنی در حوزه اخلاق فردی و بدترین‌های قرآنی در همان حوزه‌ها.

از آنجاکه عمر انسان محدود است و برای زندگی ابدی آفریده شده، لازم است که از بهترین‌ها بهره‌برده و از بدترین‌ها دوری کند و البته بهترین مسیر برای رسیدن به این

اهداف، استفاده از نقشه الهی موجود در قرآن کریم است (محسنی و حسین‌زاده، ۱۳۹۹: ۲). مبنای اصلی سبک زندگی اسلامی اعتقاد به خدا و معاد است. انسان ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد. او مسافری است که سرانجام به سرای آخرت برمی‌گردد و نتیجه اعمال خود را می‌بیند. در این راستا، برنامه زندگی در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی از سرچشمه وحی سرازیر می‌شود (محمّدی و حسینی، ۱۳۹۳: ۹۵).

تفضیل‌های قرآنی به دو صورت به کار گرفته شده‌اند: گاه به صورت صریح و با صیغه افعال تفضیل ظاهر شده و به این نکته اشاره می‌کنند که دو یا چند چیز در اصل یک معنا یا صفت مشترک بوده، اما در مقدار آن اختلاف دارند. گاه نیز برتری‌ها و تفضیل‌های قرآنی در مقام مقایسه بین دو چیز صورت گرفته که با ذکر برخی از صفات و خصوصیات دو دسته از افراد، تفاضل و برتری افراد شاخص ذکر شده است. تأمل در صفات بهترین‌ها و الگوپردازی از آن، همچنین اجتناب از بدترین‌ها و عبرت از سرنوشت آنان تأثیری شگرف در سبک زندگی اسلامی دارد (فاطمیان، ۱۳۹۶: ۴/۷).

با بررسی متون و آیات قرآن، این نتیجه به دست آمد که آیات دارای افعال تفضیل را می‌توان به سه حوزه اعتقادی، اخلاق اجتماعی و اخلاق فردی تقسیم کرد. از آنجاکه ماهیت بهترین و بدترین‌ها متفاوت است و بهترین‌ها را باید انجام داد و از بدترین‌ها دوری کرد، در پژوهش حاضر، بدترین‌ها به صورت طبقه‌ای جدا از بهترین‌ها مطرح می‌شود.

۱. بهترین‌ها در قرآن

قرآن کریم برای الگوگیری و تشویق به خلیات پسندیده از برترین و بهترین‌ها یاد کرده که به سه حوزه اعتقادی، اخلاق اجتماعی و اخلاق فردی قابل تقسیم است.

۱-۱. بهترین‌ها در حوزه اعتقادی

نقش اعتقادات و باورهای دینی در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی بر کسی پوشیده نیست؛ از این رو در راستای پاسخ‌گویی به پرسش اصلی تحقیق، به تبیین «ترین»‌های قرآنی در حوزه اعتقادات پرداخته شده که به مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود:

خدا بهترین یاور	
خدا بهترین داور	
خدا مهربان‌ترین	
خدا بهترین آفریدگار	
بهترین ذخیره الهی	

بهترین‌ها در حوزه اعتقادی

الف) در آیه ۱۵۰ سوره آل عمران چنین آمده است: ﴿هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾. اسم تفضیل کلمه «خیر» به معنای بهترین است و بدین سان معنای عبارت یادشده این است که خداوند بهترین یاور است. انسان‌ها در تمام زندگی به یاور و حامی نیازمندند؛ آنان وقتی که خدا را بهترین یاور در زندگی خود بدانند، به آرامش دست یافته و نگران تنهایی نیستند. با توجه به آیه یادشده که خطر پیروی از کافران را گوشزد می‌کند، انگیزه بازگشت به سوی کافران کسب عزت و قدرت است؛ اما خداوند این خیال باطل را مردود دانسته و یادآور می‌شود که بهترین یاور خداوند است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۹۱). خداوند یآوری است که هرگز مغلوب نمی‌شود. اعتماد قلب در امور بر خدای متعال است؛ به‌گونه‌ای که باید بندگان همه امور خویش را به خداوند حواله دهند و از هر نیرو و قدرت دیگری در امور خویش تبری جویند و تنها به یک قدرت وابسته باشند و او خداست و تنها او را اساس عمل و تأثیر بدانند (رضوی، ۱۴۰۲: ۲).

ب) در آیه ۸۷ سوره اعراف چنین آمده است که ﴿وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾؛ خدا بهترین داور است. کسی که بداند خداوند بهترین و برترین داور است، صبور است و در کیفر و پاداش عجله نمی‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/۱۱۴). درس‌هایی که از این نکته می‌توان آموخت این است که باید در زندگی صبور بود و در کیفر و پاداش عجله نکرد؛ چراکه او بهترین و برترین داور است. همچنین نباید زود قضاوت کرد؛ چراکه ملاک و معیار، پایان کار است.

ج) خداوند در قرآن چهار بار با صفت «مهربان‌ترین مهربانان» و دو بار با صفت «بهترین

مهربانان» معرفی شده است. تأمل در موضوع آیات و استفاده کاربردی از این صفات الهی تأثیر زیادی در سبک زندگی دارد.

جمله «وَهُوَ الرَّحِيمُ» (یوسف / ۶۴) نیز به منزله تعلیل برای عبارت «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا» (یوسف / ۶۴) است و معنای آن این است که چه بسا در امری غیر از خدای تعالی مورد اطمینان قرار بگیرد و یا در امانتی امین پنداشته شود، ولی او کمترین رحمی به صاحب پندار نکرده، امانتش را ضایع می‌کند؛ برخلاف خدای سبحان که ارحم الراحمین است و جایی که باید رحم کند، از رحمتش دریغ نمی‌دارد. خداوند بر عاجز و وضعیفی که امر خود را به او واگذار کرده و به او توکل جسته، ترحم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۲۹۲).

د) در قرآن کریم دوبار خداوند با صفت «احسن الخالقین» آورده شده است: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عَلَقًا فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون / ۱۴). آفرین بر این قدرت‌نمایی بی‌نظیر که در ظلمت‌کده رحم چنین تصویر بدیعی با این همه عجایب و شگفتی بر قطره‌آبی نقش می‌زند. آفرین بر آن علم و حکمتی که این همه استعداد و لیاقت و شایستگی را در چنین موجود ناچیزی ایجاد می‌کند. آفرین بر او و بر خلقت بی‌نظیرش (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۲۰۹). درس آیات یادشده برای زندگی این است که به عظمت خداوند پی برده شود و به جای درخواست از غیر از احسن الخالقین یاری خواسته شود. همچنین نکته آموزنده دیگر اینکه خودشناسی مقدمه خداشناسی است.

ه) یکی دیگر از بهترین‌های قرآنی، مربوط به آیه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود / ۸۶) است. هرچند این آیه درباره قوم شعیب است و ذخیره الهی به معنای سرمایه اقتصادی آنان است، اما مفهوم ذخیره الهی جامع و وسیع است که در عصرهای بعد مصداق‌های دیگری می‌یابد؛ از جمله هر موجود مفیدی که از سوی خدا برای بشر ذخیره شده باشد. از این رو تمام پیامبران، امامان، رهبران راستین و حتی سربازانی که پس از پیروزی در جهاد برای ملت باقی می‌مانند، بقیه الله و ذخیره الهی هستند. در این میان، روشن‌ترین و کامل‌ترین مصداق ذخیره، الهی امام مهدی علیه السلام هستند که برای پیروزی نهایی

حق بر باطل باقی مانده‌اند و بقیة الله لقب شایسته ایشان است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۹/ ۲۸۷). در این آیه، امام معصوم به عنوان ذخیره الهی معرفی شده که رهبر و راهنمای مردم به سوی هدف الهی به شمار می‌آید و مسلمانان باید افزون بر شناخت او، زمینه را برای ظهور ایشان فراهم کنند و این خود، سبک زندگی آنان را به سوی اسلامی شدن سوق می‌دهد.

۱-۲. بهترین‌ها در حوزه اخلاق اجتماعی

از دیگر حوزه‌هایی که به بهترین‌های قرآنی می‌پردازد، حوزه اخلاق اجتماعی است که نقش مؤثری در شکل‌دهی سبک زندگی اسلامی دارد. منظور از اخلاق اجتماعی دسته‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی است که هر فرد مسلمان در تعامل با دیگر شهروندان و برادران و خواهران دینی خود باید رعایت کند.

۱	بهترین اَمّت و مسئولیت اجتماعی
۲	بهترین سخنان در برابر مخالفان
۳	تقوا؛ بزرگ‌ترین ارزش انسانی

بهترین‌ها در حوزه اخلاق اجتماعی

الف) یکی از مباحث اجتماعی ضروری برای سلامت و سعادت جامعه، مسئله نظارت همگانی است. خداوند یکی از نشانه‌های بهترین اَمّت را امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران / ۱۱۰)؛ «شما نیکوترین اَمّتی هستید که پدیدار گشته‌اید [برای اصلاح بشر که مردم را] به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید». جایگاه خطیر امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر ژرف و عمیق آن در احیای جامعه بشری و اصلاح و زدودن آن از ناملایمات تا آنجاست که امیرمؤمنان علیه السلام همه کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا را در مقایسه با آن بسان قطره‌ای بر دریای پهناور می‌داند (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). بنابراین، اگر جامعه‌ای خود را به این مهم ملزم بداند، آثار نیک آن را در عرصه زندگی اجتماعی خواهد دید.

ب) همچنین از دیگر بهترین‌ها در حوزه اخلاق اجتماعی که بسیار لازم و کاربردی

است، گفتمان نیکویی و خوش‌زبانی با همه افراد، حتی مخالفان و دشمنان است. در آیه ۵۳ سوره اسراء گفته شده است که «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»؛ «و بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را بر زبان آرند که شیطان میان آنان دشمنی و فساد برمی‌انگیزد؛ زیرا دشمنی شیطان با آدمیان واضح و آشکار است». خداوند در این آیه از بندگان خود خواسته است که در برخورد با همه مردم خوش‌گفتار باشند و بهترین سخنان را بر زبان جاری سازند. خداوند آفریدگار بهترین‌هاست، از ما نیز بهترین سخن از نظر محتوا و طرز بیان را می‌خواهد. در درگاه خداوند، حسن سیرت و خوش‌رفتاری و کمال ادب، ملاک برتری انسان‌هاست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۶۲) سخن برتر شامل هر نوع سخن شایسته همچون سلام، دعا و ... و اساس هرگونه گفت‌وگو با مردم است.

ج) در آیه ۱۳ سوره حجرات گفته شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ «ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست، همانا خدا دانای خبیر است». در این آیه دو کلمه (أَكْرَمَ وَأَتَقَى) اسم تفضیل و به ترتیب به معنای گرامی‌ترین و پرهیزکارترین هستند. خداوند در این آیه به نوعی با نژادپرستی مبارزه می‌کند و برای قبیله و طایفه و نژاد امتیازی قائل نیست و امتیاز هر فرد را در گرو تقوای او می‌داند و اعلام می‌کند که هرکس از تقوای بیشتری برخوردار باشد، نزد خداوند نیز ارزش بیشتری دارد. تقوای الهی و احساس مسئولیت درونی و ایستادگی در برابر شهوات و پایبند بودن به راستی و درستی و پاکی و حقی و عدالت تنها معیار ارزش انسان است و نه غیر آن (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۲/۲۰۲). به اجرا درآوردن این دستور در جامعه از اختلافات موجود در آن می‌کاهد و صلح و آشتی بیشتری در میان افراد حاکم می‌کند.

۳-۱. بهترین‌ها در حوزه اخلاق فردی

از دیگر حوزه‌های بهترین‌های قرآنی، اخلاق فردی است. اولین گام در اخلاق، خودشناسی و خودسازی است. کسی که خود را شناخت، خدای خویش را می‌شناسد. اخلاق فردی است که نشان می‌دهد روابط گوناگون باید چگونه تنظیم شود تا شخص به هدف غایی از خلقت خویش دست یابد.

تقوا؛ بهترین توشه	۱
رعایت اعتدال در راه رفتن و سخن گفتن	۲

بهترین‌ها در حوزه اخلاق فردی

الف) تقوا به علت اهمیت، هم در اخلاق اجتماعی لازم است و کاربرد دارد و هم در اخلاق فردی. یکی از بهترین‌های قرآنی که لازمه سبک زندگی اسلامی است، تقواست؛ زیرا از دیدگاه قرآن، تقوا بهترین توشه است: «إِنَّ خَيْرَ الْبِرِّ الْقَوْلُ» (بقره / ۱۹۷) و صاحبان مغزو اندیشه‌اند که آثار تقوا و پرهیزکاری را در فرد و جامعه درک می‌کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲ / ۵۶). از سوی دیگر تقوا بهترین پوشش و لباس نیز هست: «لِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (اعراف / ۲۶) و نکته دیگر اینکه گرمی‌ترین افراد نزد خدا پرهیزکارترین آن‌هاست: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳). تقوا سپر محکمی در برابر تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی ایجاد کرده و باعث می‌شود که سبک زندگی فردی انسان سمت و سوی خدایی بیابد.

ب) رعایت اعتدال در راه رفتن و سخن گفتن نیز از بهترین‌های حوزه فردی است که افراد در سبک زندگی اسلامی باید آن را در نظر بگیرند. اعتدال و میانه‌روی، چنان‌که از نامش پیداست، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و پرهیز از افراط و تفریط است. از آنجاکه اسلام دین اعتدال است، یکی از موارد اعتدال مربوط به راه رفتن و رعایت تعادل در صدا و صوت است: «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان / ۱۹)؛ «و در رفتارت میانه‌روی اختیار کن و سخن آرام گو که

زشت‌ترین صداها صوت الاغ است». در این آیه، آداب راه رفتن و سخن گفتن به مسلمانان آموزش داده می‌شود. درست است که راه رفتن و سخن گفتن مسئله ساده‌ای است؛ اما همین مسئله ساده می‌تواند بیان‌کننده حالات درونی و اخلاقی و گاه نشانه شخصیت انسان باشد. هر صدای بلند غیرمعقول و ناخوشایندی از انسان مردود است. به هر روی، رعایت میانه‌روی در گام برداشتن و آهنگ کلام از جمله مواردی است که زندگی فرد را با زندگی مورد پسند اسلام و قرآن منطبق کرده و او را در مسیر خدایی قرار می‌دهد.

۲. بدترین‌ها در قرآن

خداوند در قرآن برای الگوگیری و ایجاد جاذبه، افزون بر یادکرد بهترین‌ها در طرف مقابل، برای عبرت‌آموزی برخی از بدترین‌ها را معرفی کرده است:

۱	بدترین جنبنندگان
۲	زیان‌کارترین مردم
۳	بدترین مخلوقات
۴	ظالم‌ترین مردم
۵	هواپرستان؛ گمراه‌ترین مردم

بدترین‌ها در قرآن

الف) یکی از بدترین‌هایی که در آیات قرآن مطرح شده، موضوع بدترین جنبنندگان است. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال / ۲۲)؛ «بدترین جنبنندگان نزد خدا کسانی هستند که [از شنیدن و گفتن حرف حق] کرو لال‌اند آنان که اصلاً تعقل نمی‌کنند». خداوند در این آیه از افرادی که کرو لال‌اند و اهل تعقل و اندیشه نیستند، انتقاد شدید می‌کند تا جایی که آنان را بدترین موجودات می‌نامد. چهارپایان نه می‌فهمند و نه می‌توانند بفهمانند و هرکس که سخن خدا و پیامبر ﷺ را می‌شنود، اما هدایت نمی‌شود، بسان چهارپای کرو لالی است که سخن را می‌شنود و نمی‌فهمد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۷۱۷) با

توجه به پایان آیه آشکارا می‌فهماند که منظور از کرو لال کسانی هستند که گوش‌های خود را بر شنیدن حرف حق بسته‌اند، زبان‌های خویش را از گفتن حقیقت باز داشته‌اند و اندیشه خود را از تفکر در این موارد منع کرده‌اند.

ب) از دیگر موضوعاتی که در قرآن کریم بدان پرداخته شده و از جمله بدترین‌های قرآنی است، شناخت زیان‌کارترین انسان‌هاست. یکی از مصیبت‌های روزگار این است که انسان کارهایی انجام دهد و به خیال خام خود نیکو بشمارد که بر اساس معیار قرآنی در شمار زیان‌کارترین کارها باشد: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف / ۱۰۳-۱۰۴)؛ «بگو آیا به شما خبر دهیم که زیان‌کارترین [مردم] چه کسانی‌اند. آن‌ها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم [و نابود] شده، باین حال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند». خسران واقعی این است که انسان اصل سرمایه را نیز از کف دهد و چه سرمایه‌ای برتر و بالاتر از عقل و هوش، نیروهای خداداد، عمر، جوانی و سلامت است؟ همین‌گونه موارد است که محصولش اعمال انسان است و عمل ما تبلوری از نیروها و قدرت‌های ماست. هنگامی که این نیروها به اعمال ویرانگریا بیهوده‌ای تبدیل شوند، گویی همه گم و نابود شده‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۳ / ۵۴۶). اما زیان واقعی و خسران مضاعف آنجاست که انسان سرمایه‌های مادی و معنوی خویش را در مسیری غلط و انحرافی از دست دهد و گمان کند کار خوبی کرده است؛ حال آنکه نه از کوشش‌های خود نتیجه‌ای برده و نه از زیان خویش درسی آموخته است.

ج) در آیه ذیل با ذکر اسم تفضیل «شَرَّ» به معنای بدترین، به بدترین مخلوقات اشاره شده و علت آن نیز آمده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَقُولُونَ» (انفال / ۲۲). انسان با به کار نبستن نعمت‌های الهی که مصداق بارز آن شنیدن، سخن گفتن و اندیشه کردن در راه خیر و ثواب است، از مسیر سعادت دور می‌شود و در راه شقاوت و بدبختی خویش پای می‌نهد؛ بنابراین چنین می‌نماید که الف و لام در «الضُّمُّ» و در «الْبُكْمُ» «الف و لام عهد ذکری» است که اگر چنین باشد، معنا به این صورت می‌شود که بدترین جنبندگان که از انواع حیوانات در روی زمین در حرکت‌اند، همین کرو لال‌هایی هستند

که تعقل نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۵۲). بدترین جنبنندگان نزد خداوند افرادی هستند که نه گوش شنوا دارند، نه زبان گویا و نه اندیشه بیدار؛ با چنین اوصافی آنان از نعمت هدایت الهی بهره‌مند نمی‌شوند و چون نعمت هدایت بالاترین نعمت الهی است و کفران آن بدترین کفران است، طبعاً به بدترین جنبنندگان تبدیل می‌شوند.

(د) «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام / ۲۱)؛ «کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؟ بی‌تردید ستمکاران رستگار نمی‌شوند».

در حقیقت، نخستین جمله آیه به انکار توحید و دومین جمله به انکار نبوت اشاره می‌کند و به راستی ظلمی از این بالاتر نیست که کسی جماد بی‌ارزش و یا انسان ناتوانی را هم‌تای وجودی نامحدود قرار دهد که بر سراسر جهان هستی حکومت می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۵/۱۸۳). همچنین به ویژگی‌های ظالم‌ترین افراد در پانزده آیه از آیات قرآن اشاره شده که درباره افترازنندگان به خدا، بازدارندگان از یاد خدا و اعراض‌کنندگان از آیات الهی است. ویژگی‌های یادشده در بیشتر موارد مربوط به مسائل فرهنگی است؛ مسائلی که باعث می‌شود سطح فهم و درک مردم رشد نیابد. از آنجاکه بالا بردن قوه ادراک و شعور مردم در جامعه بسیار ضروری است، خداوند نیز به‌عنوان خالق انسان این مسئله را جزء مهم‌ترین مسائل دانسته و چنین افرادی را با صفت ظالم‌ترین افراد وصف کرده است. چرا قرآن درباره گناهان بسیاری کلمه «أَظْلَمُ» را به کار برده؛ حال‌آنکه بزرگ‌ترین ظلم‌ها باید یکی باشد و نه چند مورد؟ پاسخ: اگرچه این تعبیر در پانزده مورد به کار رفته، همه موارد به انحرافات فکری اعم از شرک، افترا، کتمان حق و جلوگیری از راه و یاد خدا مربوط است؛ از این رو بزرگ‌ترین ظلم‌ها ظلم فکری، فرهنگی و اعتقادی است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴/۳۹).

ه) هواپرستی؛ عامل گمراهی: از بدترین‌های دیگر در آیات قرآن می‌توان به هواپرستی اشاره کرد. در آیه پنجاه سوره قصص به گمراه‌ترین افراد اشاره شده که همان منکران حق و هواپرستان هستند: «فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُتَّبَعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ»؛ «در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفس‌اند و کیست [ستمگرو] گمراه‌تر از آن

کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟».

فِي أُصُولِ الْكَافِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى﴾ مِنَ اللَّهِ قَالَ: يَعْنِي مَنِ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أئِمَّةِ الْهُدَى (حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۳۲). هوای نفس در انسان چنان دلبستگی ای نسبت به موضوعی ایجاد می‌کند که قدرت درک حقایق را از میان برده و توان پذیرش حق را سخت می‌کند. برای انسان سه دشمن معنوی برشمرده‌اند: جلوه‌های دنیوی، تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی. در این میان، دنیا و جلوه‌های آن همچون کلیدی است که با چرخش به یک سو در را باز می‌کند و با چرخش به سوی دیگری می‌بندد؛ یعنی هم می‌توان از آن بهره‌ خوبی برد و هم می‌توان آن را در راه بد به کار گرفت. وسوسه‌های شیطانی نیز اگرچه نقش آفرین هستند، انسان را به گناه مجبور نمی‌کنند؛ افزون بر این، شیطان در دل اولیای خدا راه نفوذ و تسلطی ندارد؛ اما دشمن دوم که از همه کارسازتر است، هواها و تمایلات نفسانی است که خطرناک‌ترین دشمن انسان به شمار می‌آید (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷ / ۶۹). بنابراین، در برابر هوای نفس باید به سلاح تقوا مجهز بود و لازمه شکست این دشمن درونی، در مسیر حق و هدایت قرار گرفتن است.

نتیجه

تفضیل‌های قرآنی به دو صورت به کار گرفته شده‌اند: گاه به صورت صریح و با صیغه‌ افعال تفضیل ظاهر شده و به این نکته اشاره می‌کنند که دو یا چند چیز در اصل یک معنا یا صفت مشترک بوده، اما در مقدار آن اختلاف دارند. گاه نیز برتری‌ها و تفضیل‌های قرآنی در مقام مقایسه بین دو چیز صورت گرفته که با ذکر برخی از صفات و خصوصیات دو دسته از افراد، تفاضل و برتری افراد شاخص ذکر شده است.

آیات دارای افعال تفضیل به سه گونه: اعتقادی، اخلاق اجتماعی و اخلاق فردی قابل تقسیم است. قرآن نمونه‌هایی از بهترین‌ها و بدترین‌ها را در هر سه حوزه در ابعاد گوناگون برشمرده است.

ژرف‌اندیشی و تأمل در چگونگی ایجاد جاذبه و دافعه قرآن با ذکر مصادیق مثبت و منفی و یادکرد ویژگی‌ها و سرنوشت بهترین‌ها و بدترین‌ها تأثیر بسزایی در سبک زندگی انسان دارد

منابع

۱. قرآن کریم.
۳. ابن عباس، عبدالله بن عباس، *غریب القرآن فی شعر العرب*، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۴. ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، برهان، تهران، ۱۳۹۸ق.
۵. جزایری، ابوبکر جابر، *أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*، مکتبه العلوم والحکم، مدینه منوره، ۱۴۱۶ق.
۶. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۷. رضوی، سید محمد، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاقی و تأثیر آن در سلامت معنوی انسان از منظر قرآن و روایات»، *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، سال هفتم، شماره ۲، ۱۴۰۲ش.
۸. رضی، شریف محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، علویون، قم، ۱۳۸۹ش.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۱ش.
۱۲. فاطمیان، عادل، «بررسی آیات تفضیل با رویکرد کشف معیارها»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته مدرّسی معارف اسلامی، گرایش آشنایی با مبانی اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۱۳. فعالی، محمد تقی، «نسبت سنجی سبک زندگی اسلامی با دانش اخلاق و مفاهیم ارزشی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، شماره ۴۲، ۱۳۹۷ش.
۱۴. قرآنی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ش.
۱۵. محسنی، مجتبی و عبدالرضا حسین زاده، «جایگاه قرآن در فهم مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی»، *فقه و حقوق نوین*، شماره ۱، ۱۳۹۹ش.
۱۶. محمدی، محمد باقر و سید حسین حسینی، «بررسی مؤلفه‌ها و امتیازات سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و حدیث»، *دوفصلنامه الهیات قرآنی (با رویکرد کلامی)*، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.
۱۷. مخلصی، عباس، *عقلانیت و معنویت سبک‌ساز زندگی اسلامی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، *سیری در نهج البلاغه*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ش.
۱۹. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۲۱. نراقی، احمد، *معراج السعاده*، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۸ش.